

تطابق افعال فارسی و عربی

در فهم دقیق

عبارات

سایت میراث علم

سلف

emirath.ir

حقوق معنوی

○ کلیه حقوق مادی و معنوی این فایل متعلق به سایت و کانال **میراث علمی سلف** است و استفاده، بعد از پرداخت مبلغ ۱۰ هزار تومان، مجاز است.

○ کانال ایتا: <https://eitaa.com/mahvenahv>

○ سایت: emirath.ir

مقدمه

الفعل

جامی، ص ۷۳۱:

ما (کلمة) دلّ علی معنی کائن **فی نفسه** (فی نفس ما دلّ أو فی نفس المعنی) مقترن بأحد الأزمنة الثلاثة

المراد بكون المعنی فی نفس الكلمة، دلالتها علیه من غیر حاجة إلى ضمّ كلمة أخرى إليها، لإستقلاله بالمفهومیّة

○ **إنّ الفعل مشتملٌ و دالٌّ علی ثلاثة معانٍ (بالتضمّن):**

○ الحدث الذی هو معنی المصدر

○ الزمان

○ النسبة إلى فاعلٍ ما (یک فاعلی که برای ما، بعد از قرائن

مشخص می شود)

● فعل در یکی از مفاهیم زیر جاری می شود:

● انجام دادن یا انجام گرفتن.

● مجید نامه را نوشت.

● کاغذ چسبید.

● واقع شدن کاری بر کسی یا چیزی

● علی کشته شد.

● نامه نوشته شد.

● پذیرفتن حالتی یا صفتی

● هوا روشن شد.

● احمد مریض شد.

● نسبت دادن صفتی به کسی یا چیزی

● هوا روشن است.

● احمد مریض است.

● وجود داشتن: هست.

● مالکیت: داشت.

● فعل ذاتاً مفرد است و آنچه مثنی یا جمع می شود، فاعل یا نایب فاعل است.

● بن و شناسه:

● بُن: جزء ثابتی که مفهوم اصلی دارای حدث را دربرداشته و در تمام صرف ها ثابت است. بن در فارسی دو نوع است:

● ماضی: مانند خورد، نالید، رفت، زد، آمد، برد، نوشید، خندید.

● حال و آینده: خور، نال، رو، زن، آی، بر، نوش، خند.

● شناسه: جزئی که در فعل، شخص را نشان می دهد.

● ماضی: م / ی / - / یم / ید / ند

● حال و آینده: م / ی / د / یم / ید / ند

● مصدر: کلمه ای است که حدث اصلی فعل را بی آنکه زمان و شخص در آن مشخص باشد، می رساند: خوردن، زدن.

● مصدر از بن ماضی و پسوند «ن» تشکیل می شود.
(خوردن)

● مصدر یکی از اقسام اسم است؛ چراکه مقارن زمان نیست:

وهو، فی الاصطلاح، اللفظ الدالّ علی
معنی مجرد غیر مرتبط بزمان، والمتضمّن
أحرف فعله لفظًا، نحو: «عَلِمَ، عِلْمًا»

اقسام فعل

١. فعل ماضى

ساختار فارسی فعل ماضی ساده (مطلق)

● ماضی ساده (مطلق): بن ماضی + شناسه ها: نوشتم، نوشتی، نوشت، ...

● دلالت ماضی ساده:

● بیان وقوع فعل در زمان گذشته به طور مطلق (بدون استمرار و تکرار و دوری و نزدیکی و بدون تمنی و آرزو و تردید)

● گذشته دور: رازی الكل را كشف كرد.

● گذشته بسیار نزدیک: لحظه ای پیش او را دیدم.

● بیان وقوع فعل در زمان حال: بچه ها من رفتم.

● استعمال قدیمی: گفتا: بگفت، بگفتا

ساختار عربی ماضی سادہ (مطلق)

فَعَلَ فَعُلَ فَعِلَ: ذهب، كَرُمَ، حَسِبَ

○ منفی:

○ ما (لا قليلا) + ماضی: ما ذَهَبَ

○ لم + مضارع: لم يَذْهَبْ

○ مثال: - كان والدي في انتظارى

- دخلت مريم في الصف قبل مجيء الاستاذ

- يَبَسَتْ شَفَتَاهُ لَعْدَمِ شَرْبِ الْمَاءِ (ما يَبَسَتْ، لا يَبَسَتْ، تَبَسَتْ)

- نَزَلَتْ آيَاتُ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ عَلَى الرَّسُولِ الْأَعْظَمِ طِيلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً.

- كَفَّ سَعِيدٌ عَنِ الْكَلَامِ وَ مَا كَفَّتْ عَيْنَاهُ عَنِ التَّوَسُّلِ وَ الرَّجَاءِ

ادامه ساختار عربی ماضی ساده (مطلق)

نکته ۱: گاهی اوقات «قد» برای تاکید می آید و معنای خاصی (ماضی نقلی) را افاده نمی کند: قد ذهب.

التحقیق: و یکون ذلک مع الفعل الماضي و هو الغالب، نحو الآية: **قَدْ أَفْلَحَ** مَنْ زَكَّاهَا (الشمس: ۹)، أو مع الفعل المضارع، نحو الآية: **قَدْ يَعْلَمُ** ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ

نکته ۲: غالباً (لا + ماضی) جنبه نفرین یا دعا را افاده می کند و متعلق به زمان آینده است: لا رضى الله عنه

ساختار فارسی ماضی نقلی

● **ماضی نقلی:** صفت مفعولی (بن ماضی +ه) + ام، ای، است، ایم، اید، اند: رفته ام، رفته ای، رفته است،

● **دلالت ماضی نقلی:**

● بیان فعلی که در زمان گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد: بچه خوابیده است. همه سر جای خود نشسته اند.

● بیان فعلی که در گذشته اتفاق افتاده اما اثر و نتیجه اش هنوز باقی است: مجید به کارخانه رفته است. پرویز مقداری پول پس انداز کرده است.

● بیان فعلی که هنوز واقع نشده: سعید هنوز برنگشته است.

ساختار عربی ماضی نقلی

○ **قد + ماضی** : قد ذهب

○ نکته: حرف قد پیش از فعل ماضی همیشه معادل ماضی نقلی فارسی نیست گاه نشانه تاکید فعل است.

○ **طالما (کَثَرَمَا) (قَلَمَا) + ماضی** : کثر ما خاب رجاءه: مدتهاست که ناامید شده است).

○ **منفی**:

○ **لَمَّا + مضارع + (بعدُ)** : لَمَّا يَذْهَبُ: هنوز نرفته است.

○ **لَمْ + مضارع مجزوم + (بعدُ)**

○ نکته ۱) تفاوت آن با منفی ماضی ساده از سیاق معلوم می شود: لَمْ يَكْتُبِ الدرس: درس راننوشت یا ننوشته است

○ نکته ۲) هر گاه لَمَّا بر سر فعل ماضی بیاید معنی ((هنگامی که ، زمانی که ، موقعی که)) می دهد که در این صورت اسم زمان است و حرف جزم فعل مضارع نیست.

فَلَمَّا نَجَّاکُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ (الإسراء: ۶۷)

ادامہ ساختار عربی ماضی نقلی

○ مثال ہا:

○ قدانتہت الحرب منذُ سنوات

○ قد ذهب احمدُ في السّاعة الثّامنة صباح اليوم الى المكتبة

○ قد تعاون البلدان دوماً في المجالات المختلفة

○ طالما وعدتہم و أمہلتہم فلم یقنعوا مدّتها است کہ بہ آنان وعدہ کردہای و مہلت دادہای، ولی قانع نشدہ اند

○ لَمَّا یستیعظ

○ لَمَّا یتکَلَّم بالعربیّة (بعدُ): مبنی بر ضمّ است کہ مضاف الیہ آن حذف شدہ و بہ صورت «هنوز نہ» ترجمہ می شود.

○ لَمَّا أَکتَبَ رسالۃ لک بالعربیّة

ساختار فارسی ماضی استمراری

● ماضی استمراری: می + ماضی ساده: می خوردم، می خوردی، می خورد، ...

● دلالت ماضی استمراری:

● بیان فعلی که وقوع آن در زمان گذشته ادامه داشته است: خورشید می درخشید و یخ ها را آب می کرد.

● بیان فعلی که چندبار در گذشته تکرار شده است: من هر روز چند بار شنا می کردم.

● بیان عادت: پدرم سالها سیگار می کشید.

● بیان فعلی که در زمان وقوع آن، فعل دیگری واقع شده:

تمرین های دستور را می نوشتم که صدای در زدن را شنیدم.

● استعمال قدیم: بشنید، همی شنید، همی بشنید، می شنید می، می بشنید.

ساختار عربی ماضی استمراری (ماضی ناقص)

- کان (عاد) (اصبح) + مضارع: کان یذهب، عاد یذهب، اصبح یأنسُ (انس می گرفت)
- فعل ماضی + جمله وصفیه با فعل مضارع: لعب طفل بالأسلاك الكهربائیة و هو لا یدری أنَّها خطرة
- فعل ماضی + جمله حالیه با فعل مضارع: رأیت الصائغ یصنعُ حُلّی (زرگری که طلا می ساخت).
- لو + فعل شرط + جواب شرط: لو درسنا لنجحنا (اگر درس می خواندیم، موفق می شدیم).
- منفی:

- ما کان + مضارع: ما کان یذهب
- ما کان + ل جحد + مضارع منصوب: ما کان لیقرأَ الكتاب
- کان + لا + مضارع: کان لا یقرأَ الكتاب
- لم + یكون + مضارع: لم یکن یقرأَ الكتاب
- لم + یعود + مضارع: لم یعد یقرأَ الكتاب

ادامه ساختار عربی ماضی استمراری

● نکته: در صیغ خمس مجزوم (به هر نحو)، گاهی **نون یکن** جوازاً می افتد به سه شرط:

● در حال وقف نباشیم.

● بعد از فعل، همزه وصل یا سکون نباشد بر خلاف لم یکن الذین...

● بعد از فعل ضمیر نصب نباشد بر خلاف لم یکنه.

● **أَوَّلًا يَذْكُرُ الْإِنْسَانَ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكْ شَيْئًا** (مریم / ۶۷)

● **إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكْ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا** (النساء / ۴۰)

● **قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكْ بَغِيًّا** (مریم / ۲۰)

● **قَالُوا لَمْ نَكْ مِنَ الْمُصَلِّينَ** (المدثر / ۴۳)

● **وَلَمْ نَكْ نَطْعِمِ الْمَسْكِينِ** (المدثر / ۴۴)

ادامہ ساختار عربی ماضی استمراری

○ چند مثال:

- كان العاملُ يغربلُ التُّرابَ (كانت فاطمةُ ...)
- كان (عاد) (اصبح) الطلابُ يغوصون في الماء
- كنا في تلك الأيام نذهب إلى المكتبة عادة.
- لم يُعدْ (يُصبح) يقرأُ الكتاب
- لم أكُ أريدُ أن أسمعَ (=نمیخواستم که بشنوم)
- ما كان ليقراً الكتاب: كتاب نمی خواند
- لم يكن يعرفُ أحدهم الآخرَ
- لم يُعدْ يتحمّلُ الأوجاعَ (مفرد: وجع: ألم)

ادامہ ساختار عربی ماضی استمراری

○ كانت فاطمة تأتي إلى الكلية طلباً للعلم (فاطمہ می آمد).

○ كنتُ أقفُ بجانب الأستاذ.

○ أكنتَ ذاهباً إلى المدرسة كلَّ يومٍ؟ (جانشین شدن اسم فاعل یا مفعول)

○ لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب و المشركين منفکین... (= دست برنمی داشتند...)

○ وكانت الأخبار تأتي من بغداد متواصلةً

ساختار عربی و فارسی ماضی نقلی مستمر

- ماضی نقلی مستمر (ماضی نقلی + ماضی استمراری): اگر وقوع فعلی که با ماضی نقلی بیان می شود، در گذشته دارای استمرار باشد، آن را با ماضی نقلی مستمر بیان می کنند: می رفته ام، می رفته ای، می رفته است، می رفته ایم، ...
- ساختار عربی (مثبت و منفی): ماضی استمراری

ساختار فارسی ماضی بعید

○ **ماضی بعید (دور):** صفت مفعولی (بن +ه) + ماضی ساده
فعل کمکی بودن: خورده بودم، خورده بودی، خورده
بود،

○ **دلالت ماضی بعید:** بیشتر برای فعلی بکار می رود که
پیشتر از فعل دیگری اتفاق افتاده باشد. فعلی را که
قبلاً اتفاق افتاده با ماضی بعید بیان می کنند: وقتی
مجید وارد می شد **من ناهار را خورده بودم.**

ساختار عربی ماضی بعید

○ ساختار عربی:

- **کان + قد + ماضی:** کان قد ذهب (قد را هم می توان حذف کرد):
 - كنتُ قد قرأتُ الكتاب من قبلُ (فیما سبق، فیما مضی: قبلاً) در برابر «من بعد، فیما بعد»: پس از این، بعداً
 - كنتُ قد جلستُ
 - کان کَبُرَ: بزرگ شده بود
 - کان علیٌّ شابّاً (مضروباً) (اسم فاعل یا مفعول با قرینه دلالت بر معنای بعید دارد): مقایسه با قبل
- **فعل ماضی + فاعل یا مفعول معرفه + جمله حالیه + قد + فعل ماضی:** نظر الصَّبِيِّ إلى أمّه و قد اصفرَّ وجهه (زرد شده بود).

○ منفی:

- **ما + کان + (قد) + ماضی:** ما کان (قد) ذهب
- **لم + یكون + (قد) + ماضی:** لم یکن (قد) ذهب
- **لم + یکاد + مضارع + حتی + فعل بعدی:** لم یکد یقترب حتی...
- **ما + کاد + مضارع + حتی + فعل بعدی:** ما کاد یقترب حتی...

ادامه ساختار عربی ماضی بعید

○ چند مثال:

○ لَمَّا وَصَلْتُ إِلَى بَيْتِ عَمِّي كَانَ أَحْمَدُ قَدْ خَرَجَ مِنْهُ

○ كُنْتُ قَدْ قَرَأْتُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ

○ كَانَ قَدْ أَنْجَزَ الْعَمَلَ قَبْلَ الْمَوْعِدِ الْمَحْدَدِ

○ مَا كَانَ (لَمْ يَكُنْ) الْقِطَارُ بَدَأَ السَّيْرِ

○ مَا كِدْتُ (لَمْ أَكِدْ) أَقْتَرِبُ مِنْهُ حَتَّى ...

○ لَمْ يَكُنِ الطَّبَّاحُ (قَدْ) تَذَوَّقَ الطَّعَامَ

○ لَمْ يَكِدِ السَّارِقُ يَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ حَتَّى اعْتَرَضَتْهُ الشَّرْطَةُ.

○ لَمْ يَكُنِ السَّائِقُ اسْتَطَاعَ أَنْ يَتَخَلَّصَ مِنَ الْخَطَرِ

○ كَانَتْ دُرُوسُنَا مَكْتَفَةً فِي الْعَامِ الْمَاضِي (اسم مفعول)

○ كَانَ أَحْمَدُ مُضْرُوبًا (ضاربًا) : اسم فاعل یا مفعول با قرینه به معنای بعید اشاره می کند.

✓ نکته: اگر قبل از **قد + فعل ماضی**، فعل ماضی دیگری بکار رفته باشد، **قد + ماضی** به صورت

ماضی بعید ترجمه می شود (بدون اینکه کان وجود داشته باشد):

✓ لَبِثَ النَّاسُ صَامَتِينَ كَأَنَّ هَيْبَةَ الْمَوْتِ قَدْ سَلَبَتْهُمْ الْقُوَّةَ: مردم خاموش و بی سرو صدا

برجای ماندند، گویی شکوه مرگ توان را ایشان ربوده بود.

ساختار فارسی و عربی ماضی ابعـد

- **ماضی ابعـد:** صفت مفعولی + ماضی نقلی فعل بودن:
خورده بوده ام، خورده بوده ای، خورده بوده است، ...
- **معادل عربی:** ماضی بعید

ساختار فارسی ماضی التزامی

● **ماضی التزامی:** صفت مفعولی + مضارع ساده باشیدن: خورده باشم،
خورده باشی، خورده باشد،

● دلالت های ماضی التزامی:

● بیان فعلی که همراه شک و تردید است: شاید از مسافرت برگشته باشد.

● بیان فعلی که همراه آرزوست: ای کاش آمده باشد

● بیان فعلی که همراه شرط است: اگر نیامده باشد، باید تو بروی.

● نکته) به طور کلی افعال التزامی، جملات پیرو را تشکیل می دهند و متمم معنای جمله پایه هستند: مریم می ترسد که **احمد رفته باشد**.

ساختار عربی ماضی التزامی

● لیت (لعلّ) (ربّما) + یکون + قد + ماضی: لعلّ علیاً یکون قد

ذهب، ربّما یکون قد ذهب

● یُحتمل (یرجو، یودّ) + أن یکون + قد: یحتمل أن یکون قد ذهب

● لعلّ + قد + ماضی: لعلّ قد کتبتم

● منفی: لا + یکون در هر ساختار

● نکته: در ساختاری که یکون دارد، لاجرم به ألّا یکون تبدیل می شود.

ادامہ ساختار عربی ماضی التزامی

○ چند مثال:

- ربّما تكون أوراق الاشجار قد اخضرتْ
- أودُّ أن يكون استاذُ اللغة العربيّة قد جاء إلى الصّف
- لماذا ترجو أن تكون فاطمة قد أخطأتْ في حلّ تلك المشكلة العلميّة؟ چرا امیدواری که فاطمه در حل آن مسئله علمی، اشتباه کرده باشد؟
- لعلّه ألاّ يكونَ قد ذهب إلى القاعة لإستماع المحاضرة (=شاید برای گوش دادن به تالار نرفته باشد).
- ليت احمدَ لا يكون قد رسب في الإمتحان: کاش احمد در امتحان ، مردود نشده باشد.
- هل يُمكن ألاّ يكونَ قد وصل إلى المدرسة؟: آیا ممکن است که به مدرسه نرسیده باشد؟
- ربّما لا يكون الاستاذ قد رأى ذلك الخطاء

ساختار فارسی ماضی ملموس

● ماضی مستمر (ملموس) (ماضی ناتمام): فعلی است که بر وقوع یا عدم وقوع کار یا حالتی در شُرُف اتفاق افتادن در زمان گذشته دلالت کند:
ماضی ساده فعل کمکی داشتن + ماضی استمراری فعل اصلی: داشتم می خوردم، داشتی میخوردی، و ...

● دلالت:

● فعل را در حال اتفاق افتادن یا ادامه دادن در گذشته نشان می دهد: داشتم سوار تاکسی می شدم که کسی صدایم کرد.

ساختار عربی ماضی ملموس

- کان فی حالة (علی وشک) + مصدر: کان فی حالة (علی وشک) الذهاب: داشتم میرفتم
- کاد + مضارع: کاد یذهب: داشتم می رفت.
- فعل ماضی + جمله حالیه: اتّهموه و هو یدافع عن الاسلام (تهمتش زدند در حالی که داشتم از اسلام دفاع می کرد).
- بینما (فیما) + کان + مضارع + إذ + ماضی : بینما کنت اربک السیارة إذ نادانی صدیقی: داشتم سوار ماشین می شدم که دوستم صدایم زد.
- منفی: کاربرد ندارد.
- چند مثال:
- کنتُ فی حالة التّناول الطّعام: داشتم غذا می خوردم.
- کانت الأنباء فی حالة التّسرّب (خبرها داشت نفوذ می کرد).
- کادت الطّائرة تهبط: هواپیما داشت فرود می آمد.

ساختار فارسی ماضی ملموس نقلی

○ ماضی ملموس نقلی: ماضی نقلی داشتن + ماضی نقلی
مستمر فعل اصلی: داشته می رفته که ماشین زیرش می
گیرد.

○ ساختار عربی: کاربرد ندارد.

چند نکته درباره فعل ماضی

● فعل ماضی در برخی موارد، بر زمان حال دلالت می کند:

● در آغاز قصه ها و حکایت ها: قالوا، قیل، حُکی، حُکی، حکوا، زعموا و ...: می گویند، نقل است، آورده اند، ...

● در آغاز جملاتی درباره خداوند که زمان بی معناست: کان الله علیماً حکیماً

● در آغاز جملاتی که بیانگر اندیشه مستمرند: إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً

● فعل ماضی در مواردی بر مفهوم زمان آینده دلالت می کند:

● پس از ادوات شرط یا آنهایی که معنای شرطی می توانند بدهند (إِنْ، مَا، مَنْ، إِذَا): اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ، اِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ، وَ إِنْ عَدْتُمْ عَدْنَا: اگر بازگردید، ما نیز باز خواهیم گشت.

● در سیاق جملات دعا و نفرین: لَا رِضَىٰ لِّلَّهِ عَنْهُ (خدا از ایشان راضی مباد!)

● وقوع امر حتمی در آینده: وَ نُفِخُ فِي الصُّورِ: دمیده می شود (با قرینه ای که داریم، دلالت بر آینده می کند نه حال یا گذشته).

اقسام فعل

٢. فعل مضارع

ساختار فارسی و عربی فعل مضارع ساده (بسیط)

● مضارع ساده: بن مضارع + شناسه: خورم، خوری،
خورد،...

● ساختار عربی (مضارع بدون هیچ جازم یا ناصب): یقول (=گوید)

● هیچ گونه پسوندی مانند «می» یا «ب» ندارد، و بیشتر مختص
اشعار و نثرهای کهن است: گویند مرا چون زاد مادر: یقولون حینما
ولدتنی أمّی.

ساختار فارسی مضارع اخباری

● مضارع اخباری: می + بن مضارع + شناسه (می + مضارع ساده):

می روم، می روی، می رود، ...

● دلالت ها:

● بیان فعلی که در زمان حال اتفاق می افتد: نامه می نویسم.

● بیان فعل در زمان آینده: سفارش شما را می رسانم.

● بیان فعل هایی که پیوسته در حال رخ دادن هستند (گذشته و حال و آینده): پرندگان تخم می گذارند، جانوران زاد و ولد می کنند.

● عادت و تکرار: هر روز به مدرسه می روم.

ساختار عربی مضارع اخباری

- فعل مضارع خالی از ناصب و جازم: یضحک الانسان
- اسم فاعل به عنوان خبر در جمله اسمیه: الإنسان ضاحکٌ
- نکته (۱) گاهی اسم فاعل به معنای فعل مضارع نیز ترجمه می شود:
أنا ذاهبٌ (=من می روم)، انت ضاحک (=تو می خندی).
- منفی

● ما/لا + مضارع: لا يقول / ما يقول

● ليس + مضارع: ليس يقول

- نکته (۲) لا نافية مخصوص منفی کردن فعل مضارع و ما نافية مخصوص منفی کردن فعل ماضی است اما گاهی ما نافية بر سر فعل مضارع می آید و آن را منفی می کند و یا لا بر سر ماضی می آید.

ادامہ ساختار عربی مضارع اخباری

○ چند مثال:

- یصلی المسلمون یومياً
- إِنَّهُ یَقْبَلُ طِفْلَهَا فِی كُلِّ یَوْمٍ قَبْلَ الْخُرُوجِ مِنَ الْبَیْتِ
- یَحْتَرِمُ الْمُواطِنُونَ الْقَانُونَ فِی الْمَجْتَمَعَاتِ الرَّاقِیَةِ
- أَرَاغِبُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِیْ یَا إِبْرَاهِیمُ؟ (=آیا نفرت می ورزی؟) مریم/۴۶
- وَ مَا أَبْرَأُ نَفْسِی (=تبرئه نمی کنم) (یوسف/۵۳)
- مَا یَعْلَمُ تَأْوِیْلَهُ إِلَّا اللَّهُ (آل عمران ۷)
- لَیْسَ یَذْهَبُ: نمی رود.
- لَسْتُ ضَاحِکاً مِنْكَ (=به تو نمی خندم)
- أَلِیْسَ أَحْمَدٌ حَاضِراً فِی تِلْكَ الْجَلْسَةِ؟ (حضور نمی یابد؟)
- لَیْسَتْ فَاطِمَةُ تُدْرِی (فاطمه نمی داند).

ساختار فارسی مضارع التزامی

○ مضارع التزامی: ب + مضارع ساده: بخورم، بخوری، بخورد، ...

○ دلالت مضارع التزامی

○ شک و تردید: شاید باران بیارد.

○ آرزو: کاش به خانه ما بیاید

○ بیان فعلی که همراه شرط است: اگر باران بیارد، من در خانه می مانم.

○ سیاق لزوم و اراده: می خواهم بروم، باید بروید، آمده ایم درس بخوانیم.

ساختار عربی مضارع التزامی

- حروف ناصبه (أَنْ، كِي، حَتَّى، لَ تَعْلِيل) + مضارع: أُرِيدُ أَنْ أُدِيرَ مَقْوَدَ السَّيَّارَةِ: می‌خواهم که فرمان اتوموبیل را بچرخانم.
- رُبَّمَا + فعل مضارع: رُبَّمَا يَأْتِي مُحَمَّدٌ بَيْتَنَا (شاید بیاید).
- لَيْتَ + فعل مضارع: لَيْتَ الْاِسْتَاذَ يَقُولَ (ای کاش بگوید)
- عَلَيَّ + ضمیر یا اسم ظاهر + أَنْ + فعل مضارع: عَلَيْهِ أَنْ يَكْتُبَ: لازم که بنویسد.
- مِنْ الْوَاجِبِ (يَجِبُ) + أَنْ + فعل مضارع: مِنْ الْوَاجِبِ (يَجِبُ) أَنْ يَكْتُبَ
- لَا بَدَّ + أَنْ + فعل مضارع: لَا بَدَّ أَنْ يَكْتُبَ
- لَا مَجَازِمَ + فعل مضارع: لِيَضْرِبَ: باید بزند (امر غایب تعبیر درستی نیست بلکه مضارع مجزومی است که از آن معنای مضارع التزامی فهمیده می شود).
- فعل شرط در جمله شرطیه: إِنْ تَدْرُسْ تَنْجَحْ
- فعل مضارع در جواب طلب: لَا تَتَكَاسَلْ تَفْزُ
- منفی:
- لانفی قبل از مضارع در سیاق های بالا

ادامہ ساختار عربی مضارع التزامے

○ چند مثال:

- أَحَبُّ أَنْ يَقْرَأَ الْمُعَلِّمُ اسْمِي الْيَوْمَ فِي الصَّفِّ (= بخواند)
- أَخَافُ أَنْ يَذْهَبَ أَحْمَدُ إِلَى الصَّفِّ وَ يَرَى أَنَّي لَسْتُ هُنَاكَ
- هَلْ يُمْكِنُ أَنْ تَأْتُوا إِلَيَّ بَيْتَنَا؟
- قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ (= پیرستم) رعد/ ۳۶
- قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ (= بپاخیزید) سبا/ ۴۶
- قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مِنْ شَاءِ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبُّهُ سَبِيلًا (= برگزیند) جاثیه ۲۱
- رَبِّمَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (= چه بسا دوست بدارند) حجر/ ۲
- رَبِّمَا أَرَى عَلِيًّا الْيَوْمَ
- قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ (= فتنه ای نماند) انفال/ ۳۹
- رَبِّمَا لَا يَأْتِي الطَّلَابُ إِلَى الْكَلِيَّةِ هَذَا الْأُسْبُوعَ لِأَنَّهُمْ يَسْتَعِدُّونَ لِلْإِمْتِحَانَاتِ : چه بسا نیایند.
- قَالَ إِنِّي لِيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَ أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ (= ببرید، بخورد) یوسف ۱۳

فرق لام تعلیل باحتیّ خصوصاً در عربی معاصر

● **ل:** هدف زودیاب یا آسان یاب: قُمت من
مکانی لأخرج من الصف

● **حتیّ (غایت):** دیریاب یا دشوار یاب: تقاتل
قوات الإسلام الأعداء حتّیّ یسودّ الاسلامُ
العالم (عالمگیر شود).

ساختار فارسی مضارع مستمر (ملموس)

○ مضارع ساده داشتن + مضارع اخباری:

دارم می خورم، داری می خوری، دارد می خورد، ...

○ دلالت:

○ هنگامی که گوینده بخواهد ادامه کاری را بیان کند.

ساختار عربی مضارع مستمر (ملموس)

- لَ + فعل مضارع: لیستمعون
- یکاد (یکون) + مضارع: یکاد علی یضرب / یکون محمد یکتب / اکاد أذهبُ
- یکون + فی حالة (علی وَشک) + مصدر: علی یکون فی حالة الضرب: علی دارد می زند
- مبتدا + فی حالة (علی وَشک) + مصدر: أنا فی حالة الذهاب: دارم می روم
- منفی: استعمال ندارد.
- نکته: وشک به معنای قرب و دنو است.
- چند مثال:
- تكون الأخبار تتسرَّبُ (خبرها دارد نفوذ می کند)
- تكادُ الطائرة تهبط (هواپیما دارد فرود می آید).

اقسام فعل

٣. فعل مستقبل

ساختار فارسی فعل مستقبل

○ دلالت آن در زمان آینده است.

○ از مضارع ساده «خواستن» با بن ماضی فعل

اصلی ساخته می شود: خواهم خورد، خواهی

خورد، خواهد خورد، ...



ساختار عربی فعل مستقبل

○ س (سوف) + فعل مضارع: سوف يعطيك، سيعطيك

○ إن (اذا) یا من شرطیه + فعل شرط و جواب آن: إن جاء
القضاء ضاق القضاء: هرگاه قضای الهی فرا رسد، عرصه
بر انسان تنگ خواهد شد.

○ سـ به معنای به زودی و سوف به معنای در آینده است.

○ منفی:

○ لن + فعل مضارع: نحن المسلمون لن ننحنیَ أمام الأعداء

○ نکته: لن همیشه به معنای نفی ابد نیست و باید سیاق جمله را دید. در «تأییدی بودن
لن» اختلاف است.

ادامہ ساختار عربی فعل مستقبل

○ چند مثال:

○ سوف يفصل الجزائر رأس الحيوان : قصاب سر حيوان را جدا خواهد کرد.

○ سيغادر البلاد: کشور را ترک خواهد کرد.

○ لن تراني: نخواهی دید / لن ترضي: راضی نمی شوند / لن نستسلم: تسلیم نخواهیم شد.

○ نحن المسلمون لن ننحنى أمام الأعداء

○ لن ننطلق إلى المتحف

○ من طلب العلى سهر الليالى (بیدار خواهد ماند).

○ اذا حضرت الحفل، رايته هناك (خواهی دید).

○ إنه يفهم قريباً

○ غداً احضر في تلك الجلسة